



استراتژی «نفت در برابر گاز»، چگونه شریان اقتصاد غرب را فلج می‌کند؟

سرمقاله



تصویری هوایی از آثار اصابت موشک‌ها به تاسیسات نفتی راس لفان قطر

نفت خام در کشورهای حاشیه خلیج فارس، بازسازی آن‌ها نه چند ماه، بلکه سال‌ها زمان خواهد برد. این عدم تقارن در زمان بازسازی، یک ابزار بازدارنده اقتصادی بی‌نظیر برای ایران است. دشمن می‌داند که هر شلیک به سمت تاسیسات ایرانی، با پاسخی مواجه می‌شود که زیرساخت‌های نفتی آن‌ها را برای حداقل یک دهه از چرخه اقتصاد جهانی حذف خواهد کرد.

تجاوز اخیر به زیرساخت‌های گازی، پرده از استیصال دشمن برداشت. اکنون، با روی میز قرار گرفتن گزینه موشک‌باران تاسیسات نفتی منطقه، ایران قواعد بازی را دیکته می‌کند. بازار انرژی جهان به خوبی درک کرده است که کلید ثبات قیمت‌ها و امنیت جریان انرژی، نه در واشنگتن، بلکه در دست قدرت بلامنازع خلیج فارس است. استراتژی هوشمندانه «نفت در برابر گاز»، تضمین‌کننده این اقتدار و خط بطلانی بر رویاپردازی‌های دشمنان خواهد بود. ♦

حامیان آمریکایی آن‌ها را در منطقه خلیج فارس مورد اصابت قرار دهد، محاسبات ریاضی و مدل‌سازی‌های اقتصادی نشان از یک جهش بی‌سابقه دارد. در چنین سناریویی، رسیدن قیمت نفت به بیش از ۱۵۰ دلار در هر بشکه یک قطعیت ریاضی خواهد بود؛ رویدادی که می‌تواند به فروپاشی بازارهای سهام در وال استریت و فلج شدن ماشین صنعتی غرب منجر شود.

یکی از مهم‌ترین ارکان قدرت در دیپلماسی انرژی، مفهوم «تاب‌آوری زیرساختی» است. تاسیسات گازی ایران به واسطه معماری بومی و شبکه‌ای، قابلیت بازیابی و تغییر مسیر جریان بسیار بالایی دارند. در نقطه مقابل، پالایشگاه‌های عظیم نفتی و مجتمع‌های فراورش کشورهای منطقه که با تکنولوژی‌های انحصاری غربی ساخته شده‌اند، در برابر حملات به شدت آسیب‌پذیرند.

ارزیابی‌های فنی مهندسی اثبات می‌کند که در صورت انهدام برج‌های تقطیر یا مخازن استراتژیک

است که کوچک‌ترین اختلال در آن، تورم جهانی را شعله‌ور می‌کند. بازار گاز ذاتاً بازاری منطقه‌ای‌تر و مبتنی بر قراردادهای بلندمدت است، اما بازار نفت خام یک ساختار کاملاً درهم‌تنیده جهانی دارد. با اتخاذ استراتژی «نفت در برابر گاز»، ایران مستقیماً امنیت انرژی آمریکا و شرکای آن را به گروگان می‌گیرد و هزینه هرگونه ماجراجویی را برای اقتصاد متزلزل غرب به شدت بالا می‌برد. حساسیت فوق‌العاده بازار جهانی نفت به تحولات خلیج فارس، بلافاصله پس از انتشار اخبار اولیه خود را نشان داد. جهش ناگهانی قیمت نفت برنت به محدوده ۱۰۸ تا ۱۱۰ دلار در هر بشکه، تنها پیش‌لرزه یک زلزله بزرگ‌تر بود. تحلیلگران ارشد بازار انرژی به خوبی می‌دانند که این ارقام تنها ناشی از «ریسک روانی» بازار است.

چنانچه ایران در یک اقدام مشروع و تلافی‌جویانه، شریان‌های صادراتی نفت خام و تاسیسات فراورش متعلق به شبکه‌های چندملیتی و

در پی خطای محاسباتی اخیر دشمن در هدف قرار دادن بخش‌هایی از زیرساخت‌های گازی ایران، اتاق‌های فکر اقتصاد انرژی در غرب با یک کابوس راهبردی مواجه شده‌اند: تغییر دکترین پاسخ‌دهی ایران از تقابل متقارن گازی به استراتژی ویرانگر «نفت در برابر گاز». این تغییر پارادایم، نه تنها نشان‌دهنده دست برتر و تسلط اطلاعاتی - عملیاتی جمهوری اسلامی ایران بر شریان‌های انرژی منطقه است، بلکه ضعف بنیادین و پاشنه آشیل حامیان غربی دشمن را به وضوح آشکار می‌سازد.

بررسی‌های کارشناسی در پایتخت انرژی ایران نشان می‌دهد که پاسخ متقابل به تاسیسات گازی دشمن (با توجه به خروج داوطلبانه و از سر ترس میادینی چون کاربش از مدار تولید) فاقد ارزش بازدارندگی کلان است. در مقابل، نفت خام به عنوان متغیر مستقل اقتصاد جهانی، نقطه‌ای



روح الله
شاهی‌زاده
کارشناس
نفت و انرژی

اقتصاد جنگ و گلوگاه هرمز بخش اول

اقتصاد جنگ؛ از شوک بازار تا آزمون تاب‌آوری

به نقل از تهران تایمز

پایدار نیز نقشی اساسی پیدا می‌کند. ایران و مخالفانش ظاهراً با فرضیات بسیار متفاوتی وارد این رویارویی شده‌اند. سال‌ها تحریم و فشار خارجی، ایران را مجبور کرده تا با شرایط فشار اقتصادی سازگار شود و سیاست‌گذاران را به سمت انباشت کالاهای اساسی، مدیریت مصرف، گسترش حمایت‌های اجتماعی و آمادگی برای شوک‌های ناگهانی سوق داده است. در مقابل، بسیاری از بیانیه‌های رسمی در واشنگتن و تل‌آویو حاکی از انتظارات برای عملیاتی محدود و نسبتاً کوتاه بود، نه درگیری‌ای که بتواند هفته‌ها یا ماه‌ها به طول انجامد و شریان‌های انرژی جهان را مختل کند.

اقتصادهای جنگی معمولاً در دو مرحله شکل می‌گیرند. اولین مرحله، فوری و کوتاه‌مدت است؛ زمانی که بازارها واکنش تندی نشان می‌دهند: قیمت انرژی به‌طور ناگهانی افزایش می‌یابد، خریدهای وحشت‌زده شدت می‌گیرد و سرمایه‌گذاران به دنبال پناهگاه‌های امن می‌گردند. مرحله دوم که در میان‌مدت شکل می‌گیرد، پرسشی تعیین‌کننده‌تر را مطرح می‌کند: آیا طرف‌های درگیر واقعاً برای یک درگیری طولانی‌مدت آماده‌اند؟ در آن مرحله، اهمیت تنها به قدرت تسلیحاتی محدود نمی‌شود، بلکه پایداری اقتصادی، تاب‌آوری اجتماعی و توانایی سازگاری با اختلالات

رصد انرژی منطقه

عربستان؛ بازیگر بزرگ نفت با مسیرهای متنوع صادرات

ظرفیت انتقالی در حدود ۵ میلیون بشکه در روز دارد، امکان انتقال بخش قابل توجهی از نفت عربستان به بازارهای جهانی را بدون عبور از خلیج فارس فراهم می‌کند.

اهمیت این مسیر زمانی بیشتر نمایان می‌شود که تحولات ژئوپلیتیکی منطقه و حساسیت‌های امنیتی در تنگه هرمز در نظر گرفته شود. دسترسی هم‌زمان به دو جبهه صادراتی در خلیج فارس و دریای سرخ، به عربستان انعطاف‌پذیری بیشتری در مدیریت صادرات نفت می‌دهد و امکان واکنش سریع‌تر به شرایط بحرانی یا اختلال در مسیرهای دریایی را فراهم می‌کند. همین تنوع در مسیرهای انتقال، یکی از عناصر کلیدی راهبرد انرژی عربستان برای حفظ ثبات صادرات و تداوم حضور پررنگ در بازار جهانی نفت به شمار می‌رود.

مترمکعب می‌رسد که بخش عمده آن به‌صورت گاز همراه نفت استخراج می‌شود. این گاز عمدتاً در داخل کشور برای تولید برق، تأمین خوراک صنایع پتروشیمی و پشتیبانی از بخش‌های مختلف صنعتی مصرف می‌شود. توسعه تدریجی شبکه گازرسانی و سرمایه‌گذاری در صنایع پایین‌دستی نیز به عربستان کمک کرده است تا ضمن حفظ جایگاه خود به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت جهان، پایه‌های صنعتی و پتروشیمی خود را نیز تقویت کند. در حوزه صادرات، عربستان طی دهه‌های گذشته تلاش کرده با ایجاد زیرساخت‌های متنوع، وابستگی خود را به مسیرهای محدود انتقال انرژی کاهش دهد. خط لوله راهبردی ابیق-ینبع یکی از مهم‌ترین این زیرساخت‌هاست که میادین نفتی شرق این کشور را به پایانه‌های صادراتی دریای سرخ در بندر ینبع متصل می‌کند. این خط لوله که

عربستان سعودی با جمعیتی حدود ۳۶ میلیون نفرو تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۸۳۰ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین اقتصاد انرژی محور در جهان عرب به شمار می‌رود. این کشور با تکیه بر ذخایر عظیم هیدروکربوری و زیرساخت‌های گسترده تولید و صادرات، یکی از تأثیرگذارترین بازیگران بازار جهانی انرژی محسوب می‌شود. تولید روزانه نفت خام عربستان حدود ۱۱ میلیون بشکه برآورد می‌شود که بیش از ۷ میلیون بشکه از آن به بازارهای جهانی صادر می‌شود؛ ظرفیتی که نقش مهمی در تنظیم عرضه جهانی و مدیریت نوسانات قیمت نفت در بازار بین‌المللی ایفا می‌کند. از همین رو، سیاست‌های تولیدی و صادراتی ریاض همواره یکی از عوامل تعیین‌کننده در معادلات بازار انرژی به شمار می‌رود. در کنار نفت، گاز طبیعی نیز بخش مهمی از ساختار انرژی عربستان را تشکیل می‌دهد. تولید روزانه گاز این کشور به بیش از ۳۲۰ میلیون